

بررسی یک پرونده قتل از منظر حقوق کیفری و مبانی جرم‌شناختی

(بررسی موردی: قتل بنیتا)

محمدرضا زندی*

عدنان عمرانی فر**

شادی شریفی‌نیا***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۹ طفلی به نام بنیتا در جریان یک سرقت ربوده شد. تلاش‌ها برای پیدا کردن این کودک به طور مستمر ادامه داشت و این در حالی بود که این طفل هشت ماهه قادر به محافظت از خود نبود؛ تا اینکه جسد بی‌جان این کودک در منطقه پاکدشت تهران و داخل ماشین ربوده شده پیدا شد. ظرف مدت کوتاهی مرتکبان این جنایت دستگیر شدند. این موضوع بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت. عده‌ای از حقوقدانان قتل بنیتا را عمدی و عده‌ای آن را شبه عمد تلقی کردند و بحث‌ها و تفسیرهای عدیده‌ای پیرامون این موضوع بین حقوقدانان به وجود آمد. مقاله حاضر با روش بررسی موضوعات و تحلیل آن (توصیفی - تحلیلی) به این نتیجه می‌رسد که عدم توجه به مقوله اصلاح و بازپروری و حالت خطرناک زندانیان و همچنین عدم رویکرد علمی دستگاه عدالت کیفری به موضوع خنثی‌سازی زندانیان بعد از آزادی، می‌تواند باعث این دسته از جنایات‌ها گردد و در مورد نوع قتل، حسب اظهارات و اقراریه متهمان - صرف‌نظر از رسانه‌ای شدن جنایت و تأثیر آن بر تصمیم قضات - عقیده بر شبه عمد بودن جنایت (بند الف ماده ۲۹۱ ق.م.ا) می‌باشد.

واژگان کلیدی: مجرم؛ درمان بعد زندان؛ حالت خطرناک؛ قتل شبه عمد.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

dr.z.cyber@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

adnan.om.far@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس ارس دانشگاه تهران.

Shadi.sharifinia@ut.ac.ir

مقدمه

در تابستان سال ۱۳۹۶ در عملیات سرقت اتومبیل که توسط دو بزهکار دارای سوابق متعدد کیفری انجام شد، نوزادی به نام بنیتا در خودروی به سرقت رفته جا می‌ماند و سپس بعد از اینکه سارقان، قصد مجرمانه^۱ خود را به صورت تام انجام می‌دهند، با بی‌تفاوتی طفل هشت ماهه را در خودروی مسروقه به حال خود رها می‌کنند که منجر به فوت او می‌شود.

پاسخ به چرایی انتخاب این موضوع این است که گاهی اوقات بی‌توجهی دستگاه عدالت کیفری خود می‌تواند زمینه‌ساز بزهکاری شود. در واقع مشاهده می‌شود که در سیستم‌های حقوقی نوین،^۲ مراقبت بعد از زندان^۳ از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا وقتی فرد، محیط جرم‌زای زندان را تجربه می‌کند تبدیل به یک بزهکار حرفه‌ای می‌شود و این موضوع برای جامعه بسیار خطرناک تلقی می‌شود. گافمن^۴ معتقد است: «داغ‌ننگ زندان پدیده مجرم‌پنداری را تداوم می‌بخشد و بعضاً فرصت ادغام اجتماعی را از افراد سلب می‌کند. افراد داغ‌خورده معمولاً از جانب دیگران به سختی پذیرش می‌شوند به طوری که گاه خروج از این سیکل معیوب برای عده‌ای از آنها امکان‌پذیر نمی‌شود و بار دیگر آنها را در شبکه‌های مجرمان و بازتولید چرخه معیوب به جرم قرار می‌دهد.» (گافمن، ۱۳۸۶، ص ۷۰). به عبارت دیگر طبق نظر گافمن، داغ‌ننگ موجب می‌شود این‌گونه افراد از جریان عادی زندگی خارج و مجبور شوند با مصیبت‌ها و مشکلات خود مبارزه کنند.

هدف مقاله پیش رو، بررسی جرم ارتكابی از باب ماهوی و تطبیق با مواد قانونی حقوق کیفری و همچنین شناخت عوامل جرم‌شناختی تأثیرگذار در بزه است. در مقاله سعی بر این شده تا به این پرسش پاسخ داده شود که نوع قتل با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از چه نوع بوده و در ادامه، قتل مذکور با چه مبانی جرم‌شناختی قابل تحلیل و بررسی است. از این رو این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، بعد از تبیین موضوع در مبحث اول، در مبحث دوم نوع قتل را با توجه به مبانی و تطبیق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبیین کرده و سپس در مبحث آخر با توجه به آموزه‌های

1. Criminal intent.
2. New legal systems.
3. taking care After Prison.
4. Goffman.

حقوق کیفری به دست آمده، موضوع را از باب مبانی جرم‌شناختی و اینکه این جنایت با چه مبانی جرم‌شناختی قابل تحلیل است، به عنوان چهارچوب موضوعی بحث مورد تبیین قرار خواهد داد.

۱. تبیین بحث

بنیتا قلعه‌نویی طفل هشت ماهه‌ای است که در ساعت ۹:۳۰ صبح پنجشنبه مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۹ توسط دو سارق ربوده می‌شود و این سرقت در نهایت منجر به قتل طفل می‌شود. بهتر است ماجرا را از زبان متهمان بازگو کنیم تا موضوع خالی از هرگونه شبهه‌ای بیان شود.^۱ محمد ۲۷ ساله متهم اصلی پرونده گفت: «ساعت ۹:۳۰ دقیقه ۲۹ تیر ماه امسال (سال ۱۳۹۶) همراه مهدی برای تهیه مواد مخدر به منطقه مشیریه رفته بودیم که ناگهان مهدی متوجه روشن بودن خودروی پرآید، بدون راننده در مقابل خانه شد و پیشنهاد سرقت را مطرح کرد. وی افزود: با سرعت من به سمت خودرو رفتم و پشت فرمان نشستم و مهدی نیز به جلوی در خانه رفت تا در صورت خارج شدن صاحب خودرو مانع ممانعت وی از سرقت شود. وقتی پشت فرمان نشستم در همان لحظه صاحب خودرو از خانه خارج شد و خودش را روی کاپوت خودرو انداخت تا مانع سرقت شود، اما توانستم با حرکات مارپیچ او را از روی خودرو [به] پایین پرت کنم و به سرعت وارد اتوبان امام علی (تهران) شده و به منطقه افسریه رفتم. همان زمان متوجه گریه‌های کودک داخل خودرو شدم؛ کاری نمی‌توانستم انجام بدم و پس از رفتن به پاکدشت در منطقه قیام‌دشت تهران، توقف کردیم. محمد گفت: مهدی در آنجا چند قطعه خودرو را سرقت کرد و داخل کیسه‌ای گذاشت و رفت و پس از آن من همراه نوزاد داخل خودرو به سمت منطقه مامازند رفتیم و خودرو را در حالی که نوزاد داخل خودرو بود، رها کردم و به خانه یکی از دوستانم رفتم و استراحت کردم و دیگر اطلاعی از سرنوشت کودک داخل خودرو نداشتم.»

پدر بنیتا در اظهاراتش در اداره پلیس آگاهی گفت: «روز سرقت به قصد بستن در پارکینگ از خودرو پیاده شدم که ناگهان دیدم مردی ۳۰ ساله با لباس تیره و شوار جین و موهای کوتاه پشت فرمان خودروام نشست و به سرعت قصد فرار دارد. خودم را

۱. چکیده‌ای از مصاحبه تصویری با قاتلان و پدر بنیتا (برگرفته از سایت <http://www.aparat.com/v/4bYT6>).

به جلوی خودرو انداختم و در حالی که خودرو حرکت می‌کرد، به دزد خودروام گفتم که دخترم داخل خودرو است، اما بی‌فایده بود و سارق جوان با حرکات مارپیچ و سرعت بالا مرا از خودرو پرت کرد و به سمت اتوبان امام علی (ع) حرکت کرد.»
با تلاش کارگهان نیروی انتظامی، در حالی که هیچ‌گونه سرنخی وجود نداشت، جسد بی‌جان بنیتا شش روز بعد در خودروی رها شده در پاکدشت پیدا شد و این در حالی بود که کودک، شش روز در آفتاب بدون تهویه و همچنین بدون آب و غذا در اتومبیل سرقتی رها شده بود که منجر به مرگ نوزاد (بنیتا) شد. سارقان در بازجویی‌های خود گفتند که ما به هیچ‌عنوان قصد ایراد جنایت به طفل را نداشته و امیدوار بودیم که مغازه‌ای که نزدیک محل رها کردن ماشین است، حتماً برای استمداد طفل خواهد آمد که از قضا آن مغازه هم مدتی تعطیل بوده است.

۲. شخصیت‌شناسی متهمان قتل

محمد ۲۷ ساله و مهدی ۲۹ ساله متهمان این پرونده‌اند. در مصاحبه‌ای که با این بزهکاران صورت گرفت^۱ متهم اصلی و ردیف اول (محمد) اظهار داشت: «بنده موتورسازی داشتم که به علت سوابق کیفری متعدد، آن مغازه را تعطیل نمودند. بنده شیشه مصرف می‌کنم و همسر من معتاد به شیشه می‌باشد. در اوایل کودکی، پدرم به شدت مرا تنبیه می‌کرد و از آن زمان رنجش‌های بسیاری دارم. اکنون خودم فاقد فرزند می‌باشم.»

متهم ردیف دوم که مهدی نام دارد، در مصاحبه خود اظهار می‌دارد: «روز حادثه منتظر فراهم شدن مواد بودیم و من به هیچ‌عنوان خواهان همچنین اتفاقی نبودم.» تنها مورد بارزی که در مصاحبه و پرونده^۲ شخصیت^۳ این فرد شناسایی شد مصرف شیشه بود. اما نکته^۴ دیگر این بود که این متهم دارای دو فرزند بود و همچنین سابقه کیفری او نشان می‌دهد که متهم مذکور قبلاً با ۴ گرم شیشه دستگیر و در دادگاه به حبس، جزای نقدی و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده بود که اردیبهشت سال ۱۳۹۵ محکومیت وی به اتمام رسیده و آزاد شده بود.^۳

۱. مصاحبه با قاتلان بنیتا (درج شده در سایت <http://fararu.com/fa/news/325645>).

2. Personality file.

۳. گزارش تصویری سخنگوی قوه قضاییه (ر.ک: www.tasnimnews.com/fa/news/1396/05/21/1489416).

۳. قتل بنیتا از منظر حقوق کیفری

۳-۱. بررسی از جهت عمدی بودن قتل

اکثریت حقوق دانان قتل بنیتا را عمد^۱ می‌دانند. قتل عمد دارای دو عنصر مهم است: مورد اول اینکه فعل انجام شده از ناحیه مرتکب، از روی غفلت و بی احتیاطی و امثالهم به انجام نرسیده باشد، بلکه آمیخته با آگاهی و اختیار آن عمل را بر روی جسم و جان مجنی علیه انجام دهد. مورد دوم این است که مقصود از سلب حیات آن است که حصول نتیجه مجرمانه، یعنی کشتن طرف، مقصود و هدف اصلی مرتکب جرم باشد (ولیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹). در قتل بنیتا موضوعی که شامل حال متهم شده بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.»

بسیاری از حقوق دانان بر این باورند که قتل بنیتا قتل عمد است و استدلال آنان این است که عنصر مادی و معنوی قتل عمد تکوین یافته و سوء نیت خاص که همان قصد نتیجه است، وجود ندارد و از این رو چون طفل نیاز به نگهداری مداوم دارد و از جهت دیگر قادر به محافظت از خود نیست و عادتاً هر فردی آگاه به این موضوع می‌باشد، در نتیجه قتل عمد تحقق یافته و مشمول بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است. در نقد این نظر می‌توان گفت که اگر فردی به فرد ناتوانی سیلی بزند و آن فرد در اثر همان سیلی فوت کند و مرتکب، آگاه به این موضوع باشد، موضوع (از باب مثال) شامل بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون فوق‌الذکر می‌شود؛ اما مطلبی که در مثال فوق موضوعیت دارد این است که مرتکب، عملی را می‌خواهد انجام دهد (اراده کرده)،

۱. قتل عمد عبارت است از انجام فعل ارادی مرتکب بر روی جسم و جان مجنی علیه به قصد سلب حیات از انسان زنده و یا به تعبیر دیگر، مراد از قتل عمدی آن است که فاعل جرم از روی آگاهی و به اختیار خود، به منظور کشتن مجنی علیه، مرتکب جرم شود. هرچند آن عامل نوعاً کشنده نباشد، ولی در عمل سبب قتل گردد (ولیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱).

از قضا این عمل به دلیل شرایط جسمی، زمانی و مکانی، منتهی به قتل شده است. اما آیا در قتل بنیتا، متهم عنصر مادی و معنوی قتل عمد را انجام داده؟ در واقع می‌توان این‌گونه توضیح داد که در ضمن یک فعل مادی، فعل مادی ناخواسته‌ای همراه عمل مجرمانه از ناحیه متهم روی داده است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که متهم، برای سرقت وارد عملیات مجرمانه شده (عدم سوء نیت قبلی) و ناخواسته فعل مادی تحمیلی دیگری بر مرتکب در ضمن ارتکاب جرم، بار شده و آن فعل مادی انتقال کودک به مکانی دیگر غیر از آغوش والدین و در نهایت قتل است. برای مثال، اگر قاتل بنیتا دست‌بند یا گردن‌بند طلای او را می‌ربود و سپس در جایی رها می‌کرد تا طفل فوت کند و به رفتار خطرناک خود بر روی طفل آگاهی می‌داشت، عمل مرتکب قتل عمد مستوجب قصاص بود و به عنوان جرم خاص قابل مجازات بود؛^۱ زیرا می‌خواسته که فعلی بر روی بزه‌دیده انجام دهد، اما بیش از انتظار وی، حادثه‌ای که همان مرگ طفل باشد روی داده و حال متهم نمی‌تواند این ادعا را بکند که رفتار او در تحقق قتل نقشی نداشته؛ زیرا رفتار پرخطری را بر روی طفل انجام داده که در نهایت به مرگ منتهی شده است. در قتل بنیتا، تحمیل شدن عنصر مادی و روانی یک جرم در ضمن جرم دیگری که همان سرقت است، مشاهده می‌شود و با مسامحه می‌توان گفت که عنصر مادی و معنوی نسبت به قتل عمد بنیتا هر دو مخدوش است. البته مثال‌ها و موارد متفاوتی بر خلاف و در جهت رد تحلیل و استدلال فوق وجود دارد. «در حقوق انگلستان جرم "تهاجم منتج به صدمه عملی جسمانی" به صرف قصد مرتکب برای انجام تهاجم علیه دیگری بدون اینکه وی قصد ایجاد صدمه جسمانی‌ای که نهایتاً از فعل وی حاصل شده است داشته باشد، ارتکاب می‌یابد. به عبارت دیگر، وجود سوء نیت خاص ایجاد نتیجه حاصله ضرورتی ندارد و مرتکب با توجه به صدمه حاصله، هر چند بیش از آن مقداری بوده که وی مد نظر داشته است، مسئول خواهد بود.» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

قتل بنیتا که مصداق ماده ۶۳۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است، از موارد فعل ناشی از ترک فعل است (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۵۰). این ترک فعل ناشی از ایجاد یک خطر قبلی است. طبق این عنوان، هر کسی خطری ایجاد

۱. مشمول ماده ۶۳۳ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

کند و نتیجه آن بیشتر از انتظار او حادث شود، نسبت به مازاد نتیجه حاصله ضامن خواهد بود. در اینجا می‌توان به یک پرونده اشاره کرد. در پرونده میلر در سال ۱۹۸۳، فرد بی‌خانمانی که سهواً موجب آتش گرفتن تَشک موجود در خانه - که در آن مأوا گزیده بود - شد، ولی با بی‌اعتنایی نسبت به سرایت آتش، به اتاق دیگری در آن خانه رفت و خوابید و در نتیجه، آتش به خانه سرایت کرد و او مرتکب جرم عمدی احراق^۱ خانه دانسته شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). این ترک فعل ناشی از ایجاد خطر قبلی است که فرد ایجاد کرده و اکنون با توجه به این قاعده، هر حادثه‌ای که از دل حادثه اول در آینده روی دهد، بر دوش تارک فعل است و اگر قائل به پذیرفتن این قاعده باشیم، می‌توان عمل سارق ماشین را به دلیل ایجاد خطر اولیه و ترک فعل (بازگرداندن بنیتا) در رابطه با طفل، مانند پرونده میلر که در بالا اشاره شد، قتل عمد دانست هرچند وی قصد انجام عمل ثانویه را نداشته باشد.

در حقوق ایران برای تحقق رکن مادی جرم، احراز رابطه علیت و سببیت میان رفتار مباشر و مجنی‌علیه ضروری است. ناگفته نماند که در ترک فعل، مسئولیت تارک فعل بر اساس نوع عنصر روانی او است. به عبارت دیگر، برای اینکه تارک فعل به ارتکاب قتل عمدی یا ایراد ضرب و جرح عمدی به دیگری، محکوم شود باید این نتیجه مورد تمایل و نظر او بوده باشد؛ یعنی وی این نتیجه را خواسته باشد. بنابراین هرگاه ترک فعل صرفاً ناشی از سهل‌انگاری و غفلت او بوده باشد، مسئولیت وی تنها ارتکاب قتل یا ایراد ضرب و جرح شبه عمد خواهد بود (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).

در پرونده قتل بنیتا موضوعی که محل تردید و اختلاف نظرها بر سر عمد و شبه عمد بودن قتل را ایجاد کرده، بحث علم و آگاهی است. در تبصره ۲ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قیدی آورده شده که مقرر دارد: «در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.» در پرونده بنیتا، سارق بزه‌هایی ناخواسته (آدم‌ربایی، قتل) را در ضمن یک سرقت یدک کشید. او در اظهاراتش که در مطالب پیشین بیان شد، گفت که کودک را به امید پیدا کردن در منطقه پاکدشت رها کرده و هرگز قصد نداشته که به کودک آسیبی

1. Arson.

برساند. در واقع بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر به زمانی است که فرد قصد صدمه‌ای را داشته ولی به دلیل شرایط خاصی که بیان شد، منجر به فوت می‌شود. اما متهم قتل بنیتا چه کاری انجام داده است؟ قاتل بنیتا، در سرقت انجام شده که منتهی به قتل بنیتا شد عملی را مرتکب شد که هر سارقی بعد از سرقت انجام می‌دهد و در نتیجه، ماشین را به حال خود رها کرده، گویی کودکی در ماشین وجود نداشته است. احتمال پیدا شدن کودک در دقایق اولیه بسیار بالا بود.

قتل بنیتا و پیش‌بینی اینکه شاید او پیدا نشود یا در اثر گرمای شدید از بین برود و همچنین انتظار تصمیم‌گیری مناسب از افراد معتاد به شیشه به دلیل سلب قدرت محاسبه رفتار و نتیجه در اثر تأثیر مواد (شرح این موضوع در مباحث آتی خواهد آمد) دشوار به نظر می‌رسد و این همان موضوعی است که در تبصره بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی به عنوان اثبات و در نتیجه وارد نمودن اتهام قتل عمد با این وصف که متهم فکر می‌کرد طفل در آن مکان توسط صاحب مغازه‌ای که در آن نزدیکی است پیدا خواهد شد، شاید محل تردید باشد. بنابراین موضوعی که از اظهارات و اقرار متهم استنباط می‌شود این است که متهمان به هیچ عنوان قصد قتل طفل را نداشتند و امید آنها به یافتن طفل توسط افراد ساکن در محل بوده است. بله، این درست است که بزهکاران از علم موضوعی برخوردار بودند، اما ترک فعل آنها (محاسبه نتیجه) مخدوش بود و آنها تصور نمی‌کردند که رفتارشان منجر به این جنایت شود.

۲-۳. بررسی از جهت شبه عمد بودن قتل

محل اختلاف قتل شبه عمد با قتل عمد در بحث عنصر روانی (سوء نیت خاص) است. در واقع قصد نتیجه است که قتل را از شبه عمد به عمد یا بالعکس تغییر می‌دهد (شیروانی، ۱۳۸۴، ص ۱۴). در قتل شبه عمد، مرتکب کار دیگری غیر از قتل را قصد کرده و آن کار غالباً موجب قتل نیست، ولی تصادفاً منجر به قتل شده و مرتکب این نتیجه مجرمانه را خواستار نبوده است و می‌توان گفت که مرتکب در عمل خود عامل است، ولی در قصد خاطی است (فیض، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳).

بند (الف) ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.» شاید در نگاه اول، بند (الف) ماده مذکور قتل شبه عمد را توجیه کند، اما در نقد

این مطلب باید اذعان کرد که در ماجرای قتل بنیتا قصد چه رفتاری روی کودک از ناحیه مرتکب صورت پذیرفت؟ در حقیقت در بزه سرقت، رفتاری که انجام می‌شود روی مال بزه‌دیده است که مورد سرقت قرار می‌گیرد. در اینجا باید قائل به تفکیک شد که اگر مرتکب قبل از سوار شدن، از وجود طفل در ماشین آگاهی داشت، مشمول بند (الف) ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود، چون در آن صورت مرتکب قصد انجام رفتاری بر طفل و ماشین را توأمان داشت، ولی چون مرتکب در حین انجام عملیات اجرایی و بعد از سوار شدن بر خودرو به وجود طفل آگاه شده و در آن موقعیت فرار را بر قرار ترجیح داده و اصطلاحاً در آن موقعیت نه راه پس برای سارق وجود داشته و نه راه پیش، پس نمی‌توان گفت که مرتکب قصد رفتاری را بر روی طفل داشته و چه بسا مرتکب اگر می‌دانست طفلی درون ماشین است، با حساب سود و ضرر و احتمال تشدید مجازات خود، از سرقت منصرف می‌شد.

بند (پ) ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.» در حقیقت، بزه سرقت از ناحیه مرتکب محرز و مشخص است، منتها تقصیر مرتکب در رابطه با قتل بنیتا بعید به نظر نمی‌رسد. از آنجا که بسیاری از موارد بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از اموری است که معمولاً برای نوع افراد، مخفی و ناشناخته است یا مورد التفات نیست، لذا تحقق موضوع عمد در بسیاری از این امور محرز نیست و نمی‌توان حکم به عمد کرد. علاوه بر این، موضوع مشکوک ملحق به اعم اغلب است و طبق جریان قاعده «درأ» در قصاص، می‌تواند مشمول این قاعده باشد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود (مزروعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۴۶).

رها کردن ماشین و اظهارات قاتل مبنی بر اینکه به هیچ عنوان قصد صدمه زدن به طفل را نداشته و اینکه امید داشته که مغازه‌دار نزدیک محل استقرار ماشین طفل را بیابد و هرگز نتیجه حاصله را پیش‌بینی نمی‌کرده است، سهل‌انگاری و قصور او را در رابطه با طفلی که ناخواسته همراه جرم سرقت او شده و در نهایت از بین رفته نمایان می‌کند. مستفاد از متون فقهی این است که علم و اطمینان به ترتب نتیجه بر عمل، در صدق عمد معتبر است. بنابراین هرگاه عملی نوعاً کشنده باشد اما فاعل این عمل چنین اعتقادی نداشته باشد، جنایت او از مصادیق شبه عمد خواهد بود نه عمد (مزروعی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۹۰).

ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامی که تحت عنوان «تحصیل نتایج ناخواسته بیش از قصد مجرمانه»^۱ آورده شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۶۲) در رابطه با ادله قتل بنیتا مرتبط به نظر می‌رسد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه عمدی محسوب می‌شود، مانند آن که انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه عمدی است.» در قتل بنیتا، در ضمن یک سرقت عمدی جرمی رخ می‌دهد که خواسته اصلی و بعدی مرتکب نبوده است. شاید بتوان با الهام گرفتن از این ماده قتل مذکور را شبه عمد تلقی کرد. البته شرط کیفیت فعل و آلت قتاله در مقام اثبات دعوا و اقامه دلیل بی‌نهایت مؤثر است (پاد، ۱۳۸۳، ص ۴۳) که این جزئیات باید مورد رسیدگی حقوقی و قضایی قرار بگیرد و نسبت به مرتکب حکم مقتضی صادر شود. شاید با مسامحه بتوان گفت که عنصر مادی مرتکب، تقصیر از نوع بی‌مبالاتی است که منجر به مرگ بنیتا شده که مستوجب دیه است. در حقوق انگلستان این نوع قتل به قتل غیر عمد اعتباری^۲ معروف است و آن در جایی است که متهم قصد ارتکاب یک فعل غیر قانونی و خطرناک را دارد که منجر به مرگ می‌شود (رمضانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳) که تا حدودی بند (الف) ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی را هم شامل می‌شود.

۴. بررسی جرم‌شناختی قتل

۴-۱. جرم‌شناسی تفاوت فردی

جرم‌شناسی تفاوت فردی، جرم‌شناسی کلی می‌باشد که تمام تمرکز خود را بر عوامل زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و اجتماعی معطوف کرده و نقش این عوامل را با جرم هم‌پسته می‌داند و عمده تأکید خود را بر این موارد می‌گذارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۷).

۴-۱-۱. اختلال در انتقال‌دهنده‌های عصبی

برخی مصرف‌کنندگان مواد به‌خاطر اثرات روان‌شناختی یا فیزیولوژیک حاد یا

1. Gain unwanted results over criminal intent.
2. Constructive manslaughter.

مزمّن مواد، دست به رفتارهای خشن می‌زنند. بر این اساس، اثرات داروشناختی ماده باعث القای رفتارهای خشن در مصرف‌کننده می‌شود به طوری که حتی ممکن است فرد در زمان ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز آگاه نباشد که در حال انجام چه کاری است. در برخی موارد، یک مجرم ممکن است آشکارا الکل یا مواد مصرف کند تا ترس ناشی از خطرات اقدام به جرم خود را کاهش دهد. برخی مصرف‌کنندگان مواد مخدر به‌خاطر اثرات فیزیولوژیک مواد، درگیر رفتارهای خشن می‌شوند. سایکوز القا شده توسط مواد در مصرف‌کنندگان متامفتامین از سایر مصرف‌کنندگان مواد محرک مانند کوکائین احتمالاً به دلیل طول اثر بیشتر از آمفتامین‌ها شایع‌تر است (Kosten & Singha, 1999, p. 183). اگرچه سایکوز ضرورتاً باعث خشونت نمی‌شود، برخی مطالعات بالینی از این فرضیه حمایت می‌کنند که متامفتامین رفتارهای تهاجمی و خشن را در انسان‌ها افزایش می‌دهد. این موضوع منجر به افزایش نگرانی دربارهٔ به‌مخاطره افتادن امنیت عمومی در اثر رفتارهای خشن مصرف‌کنندگان سنگین متامفتامین شده است. حالت‌های سوءظن و بدبینی القا شده با مصرف متامفتامین ممکن است سبب بروز واکنش‌های خشن در فرد هنگام تماس با دیگران به‌ویژه کارکنان بخش پزشکی، انتظامی یا قضایی گردد (Dillon, Fritz, Blanton, et al, 2000, p. 200).

در یک مطالعه روی مصرف‌کنندگان متامفتامین پذیرش شده برای درمان در شهر لوس‌آنجلس، تقریباً دو سوم شرکت‌کنندگان اعلام کردند که رفتار خشن در نتیجهٔ مصرف متامفتامین برایشان رخ داده است (Von Mayrhauser, Brecht & Anglin, 2002, p. 45). سوء مصرف شیشه، ترشح دوپامین، سروتونین و نوراپی‌نفرین را در سیناپس‌های عصبی در مغز بسیار افزایش می‌دهد و منجر به تحریک سلول‌های مغز می‌شود. شخصی که به سوء مصرف شیشه روی می‌آورد، در ابتدا علائم بسیار خوبی را تجربه می‌کند، اما به مرور زمان این سه هورمون رو به کاهش می‌گذارد و تنها با مصرف همان مواد مخدر، به حد کمی ترشح می‌شوند و کم‌کم به مرور زمان رو به افول می‌گذارند. پژوهش‌ها دست‌کم محتاطانه بر این نظرند که سطوح انتقال‌دهندهٔ عصبی متفاوت ممکن است با رفتار جامعه‌ستیز همبسته باشد و این انتقال‌دهنده‌های عصبی شامل دوپامین، سروتونین و نوراپی‌نفرین می‌باشند. پژوهش‌هایی توسط سربو و رین صورت گرفته و آنان در ۲۸ پژوهش اثبات کرده‌اند که افراد جامعه‌ستیز نسبت به افراد بهنجار، سطوح

کمتری سرتونین دارند (وُلد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶).

مرتکبان قتل بنیتا هر دو مصرف‌کنندگان ماده مخدر صنعتی شیشه بودند. از این رو با توجه به یافته‌های بالا بعید نیست که بتوان عامل اصلی ارتکاب این جنایت را استفاده از شیشه دانست، چنانکه خود متهمان اظهار داشتند که برای خرید شیشه به محل وقوع جرم رفته‌اند و چه بسا مصرف این مواد که خود با عوارضی همچون توهم بینایی، توهم شنیداری، اختلالات شناختی، افزایش شدت تلقین‌پذیری، توهم احساس خطر، بدبینی و سوء قصد، توهم تمرکز بر بدن خود یا چیزی همراه است (منصوریان و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۶۹)، محرک اصلی ارتکاب جرم مذکور بوده باشد. حتی می‌توان با توجه به نقش بارز مصرف مخدر شیشه بر مغز به این نتیجه رسید که متهمان حتی قدرت تجزیه و تحلیل خود را در رها کردن خودرویی که طفل هشت ماهه داخل آن بوده، از دست داده‌اند؛^۱ زیرا هر بزهکاری عادی می‌توانست با سرقت خودرو، کودک را به نحوی به خانواده‌اش برساند نه اینکه بنیتا را در محل کم‌تردد به حال خود رها کند. در این رابطه دکتر دو گریف می‌نویسد: «معتاد جان دیگران را زمانی که به مواد مخدر احتیاج دارد به خطر می‌اندازد. تحت تأثیر این نیاز، او خود را تسلیم هر نوع کاری می‌کند و حاضر به انجام هر عملی برای تهیه مواد مخدر مورد نیاز خواهد بود.» (De Greef, 2000, p. 185).

۴-۱-۲. نظریه بی‌تفاوتی عاطفی

ویژگی‌های بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنائی عاطفی^۲ عبارت است از فقدان هیجانانگیز و تمایلات نوع‌دوستانه، احساس مشترک و همدلی و به عبارت دیگر، سردی نسبت به هم‌نوع. بی‌تفاوتی عاطفی ممکن است از نقص جسمانی ناشی شود یا به دنبال کمبودهای عاطفی در فرد به وجود آید. در واقع می‌توان گفت بی‌تفاوتی عاطفی آخرین فاکتور برای ممانعت از ارتکاب جرم است که از بین می‌رود و در نتیجه آن، فرد به عواقب وخیم عمل مجرمانه‌اش بی‌توجه می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۴۵). در پرونده قتل بنیتا

۱. با این توضیح که افراد دارای قدرت تعقل و تفکر حتی در سطح پایین می‌توانند این موضوع را استنباط نمایند که رها کردن یک نوزاد ۸ ماهه می‌تواند چه عواقبی را در پی داشته باشد. بنابراین این موضوع استدلال فوق را قوت می‌بخشد که مصرف مواد قدرت تصمیم‌گیری را از مرتکبین این جنایت سلب نموده است.

2. Effective indifference.

با توجه به اظهارات متهم ردیف اول (محمد) مبنی بر رفتار بد پدرش با او و محدودیت‌های فراوان و همچنین اعتیاد وی، وابستگی عاطفی را در او به حداقل رسانده و در نتیجه باعث شده کودکی معصوم را در خیابان و با آن وضعیت نابسامان رها کند و به عواقب عمل مجرمانه‌اش فکر نکند.

۲-۴. جرم‌شناسی ساختار - فرایند

۱-۲-۴. نظریه فرصت

نظریه فرصت^۱ بر این مبنا استوار است که جرم حاصل تقارن بین فرصت مناسب با بزهکار برانگیخته می‌باشد. در واقع هر زمان که زمینه ارتکاب جرم مهیا باشد و بزهکار مستعد در آن موقعیت قرار گیرد، جرم حاصل می‌شود. در نظریه فرصت سه عامل نقش بازی می‌کنند: عامل اول وجود فرصت مناسب است؛ عامل دوم بزهکار برانگیخته و عامل سوم فقدان محافظ کارآمد است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۹۱۷).

در واقع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت:

فرصت مناسب + بزهکار برانگیخته + فقدان محافظ کارآمد = ارتکاب جرم

در تحلیل توضیح فوق با پرونده بنیتا می‌توان ادعان کرد که در بزه سرقت که منتهی به قتل بنیتا شد، مرتکب اصلی یعنی محمد (بزهکار برانگیخته) با دیدن ماشین پدر بنیتا که روشن و فاقد سرنشین بوده تحریک می‌شود (فرصت مناسب) و چون در آن محل نیروی محافظ و تدابیر امنیتی وجود نداشته (فقدان محافظ کارآمد)، اقدام به سرقت ماشین می‌کند که در نتیجه با طفلی در ماشین روبه‌رو می‌شود و کودک و ماشین را در منطقه پاکدشت رها می‌کند و در نهایت این موضوع منجر به قتل بنیتا می‌شود.

۲-۲-۴. نظریه کنترل اجتماعی

تراویس هیرشی^۲ معتقد است که چهار عامل در نظریه کنترل با جرم همبسته‌اند. این موارد عبارتند از: ۱- وابستگی،^۳ به معنای برقراری روابط صمیمی با دوستان و خانواده، ۲- درگیر شدن،^۴ به معنای فعالیت مؤثر در اجتماع همچون کار، ورزش و ...

1. Opportunity theory.
2. Travis Hirsch.
3. Affiliation.
4. Get involved.

۳- تعهد^۱ به معنای سرمایه‌گذاری در جامعه همچون تحصیلات و شغل و خانواده مناسب، ۴- اعتقاد^۲ به معنای احترام به هنجارها و رعایت قانون جامعه. هیرشی سپس این‌گونه نتیجه می‌گیرد که هرچه میزان عوامل یاد شده در فرد بالاتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که فرد بزهکار شود و هرچه عوامل مذکور در فرد پایین‌تر باشد، احتمال بزهکاری فرد افزایش می‌یابد (ویلیامز، لین دی و مک شین، ۱۳۹۵، ص ۲۹۶). در ماجرای بنیتا عوامل تأثیرگذار در نظریه کنترل (وابستگی، درگیر شدن، تعهد و اعتقاد) در متهم ردیف اول (محمد) بسیار ضعیف به چشم می‌خورد. فرد متهم به قتل بنیتا، در پرونده شخصی خود فردی است که از لحاظ وابستگی به خانواده و دوستان بسیار ضعف دارد. همسری از خود بزرگتر (دارای ۳۸ سال سن) دارد و فاقد فرزند است (وابستگی). از کار و معاش مشخصی بهره‌مند نیست (درگیر شدن) و فاقد تحصیلات و خانواده مناسب است (تعهد). همچنین وی معتاد به شیشه و دارای سوابق کیفری متعددی است و به هیچ عنوان انسان بهنجاری به نظر نمی‌آید (اعتقاد). بر مبنای این نظریه، این‌گونه اشخاص، افرادی با استعداد بالقوه بزهکاری هستند که هر لحظه امکان دارد از بزهکار بالقوه به بزهکار بالفعل تبدیل شوند، همانند ماجرای بنیتا که منجر به قتل این طفل شد.

۳-۲-۴. نظریه برچسب‌زنی

جرم و اصولاً نابهنجاری پدیده‌ای قراردادی و نسبی تلقی می‌شود. جرم به خودی خود وجود ندارد، ولی جوامع با جرم‌انگاری بعضی رفتارها به آن وجه جرم می‌دهند و در صورت ارتکاب آن توسط افراد، به آنان برچسب مجرم زده می‌شود. قطع نظر از جهت‌دار بودن جرم‌انگاری، نظریه برچسب‌زنی^۳ به دلیل بدنام کردن افراد،^۴ نقش‌پذیری

1. Obligation.
2. Belief.
3. Labeling theory.

۴. از جمله شیوه‌های مدیریت چالش بعد از زندان فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در زندگی روزمره است. طبق نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی بعضی از مصاحبه‌شوندگان بعد از بازگشت به زندگی عادی و روزمره و درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی به کلی از زندگی اجتماعی خود کناره‌گیری کرده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده چنین استنباط می‌شود که احتمال این مشغولیت‌ها در دو قالب فعالیت‌های رسمی مانند اشتغال و کسب و کار به صورت فعالیت و درگیری در امور مربوط به بچه‌ها و زندگی روزمره آشکار می‌شود

افراد برچسب خورده و اثرات مخرب آن بر روی روحیه، شخصیت و زندگی اجتماعی و فردی افراد می‌تواند قضاوت فرد را نسبت به خود و ارزیابی دیگران نسبت به او دگرگون کند و ممکن است او را در تداوم اقدامات مجرمانه مصمم‌تر کند مانند آنچه در قتل بنیتا روی داد. متهم ردیف اول (محمد) اظهار داشت: مدتی موتورسازی داشتم و به شغل موتورسازی روی آورده بودم که به دلیل سوابق کیفری متعدد، توسط مأموران تعطیل شد. نامبرده با قید وثیقه ۱۶۰ میلیون تومانی آزاد شد و در آخرین سرقت خود از ۱۲ خودرو، تعداد ۱۳۰ شاکی داشت.^۱ به نظر می‌رسد رها کردن مجرمان سابقه‌دار حرفه‌ای و خطرناک بدون انجام تدابیری همچون اصلاح و بازپروری و تشکیل پرونده شخصیت در جامعه، آن هم زمانی که به مرتکب برچسب مجرمانه خورده، از اقدامات یک دستگاه عدالت کیفری علمی نباشد (زندگی و عمرانی‌فر، ۱۳۹۶، ص ۴۲). در حقیقت صرف مجازات و عدم توجه به نتایج و دستاوردهای جرم‌شناسی عواقبی چون ماجرای بنیتا در پی خواهد داشت.

در یک نظریه مرتبط با نظریه برچسب‌زنی با عنوان نظریه شرمساری بازیکپارچه‌گر، با نظریه پرداز ویث ویت،^۲ این حاصل شد که شرمساری دارای دو وجه است: **بدنامی**^۳ و آن عبارت است از اینکه خود شرمساری از ارتکاب جرم، یک کژروشی را در فرد ایجاد می‌کند. وجه دوم عبارت است از **یکپارچگی**^۴ و آن به این معناست که جامعه و دستگاه عدالت کیفری تضمین می‌کند که هم‌بستگی خود را با فرد شرم‌زده حفظ کند و شانس دوباره‌ای برای بازاجتماعی کردن به فرد خاطی بدهند. تحقیقات نشان داده جوامعی که با مجرمان خود از روش یکپارچگی رابطه برقرار می‌کنند، نسبت به جوامعی که در آن مجرم را بدنام می‌کنند، درصد اصلاح‌پذیری و بازاجتماعی بیشتری در مرتکبان جرایم یافت می‌شود^۵ (وُلد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۹۱).

(Bui & Merry, 2010, p. 21)

۱. گزارش تصویری سخنگوی قوه قضاییه.

2. Brith Witt.

3. bad reputation.

4. Integrity.

۵. در یک تحقیق روانشناختی توسط برین این نتیجه به دست آمد که ترس از آشکار شدن سابقه جرم یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و نگرانی‌های زندگی بعد از زندان می‌باشد و افراد و خانواده‌هایشان همواره در تلاشند تا به نوعی از آشکار شدن این سابقه به‌ویژه در ارتباط با غریبه‌ها جلوگیری کنند. میزان توانایی فرد در

هووارد بکر^۱ معتقد است که وقتی برچسب بزهکاری به طور موفقیت‌آمیز به فرد زده می‌شود در واقع فرد با نوعی بدنامی روبه‌رو می‌شود و شاید حتی به خاطر این دیدگاه بد جامعه نسبت به وی، رفته رفته به هویت جدید خود به عنوان یک بزهکار اعتقاد پیدا کند و هویت اصلی خود را تغییر دهد. این فرد علاوه بر اینکه مستعد ارتکاب جرایم دیگر می‌باشد، آرامش خود را در همراهی با افرادی می‌داند که شرایطی مشابه دارند و نسبت به جامعه بیگانه تلقی می‌شوند. از این هم‌نشینی به عنوان خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه یاد می‌شود (Herschel, 1982, p. 46). در واقع فرد سارق، به‌ویژه در پرونده بنیتا که متهم ردیف اول سرقت را وسیلهٔ امرار معاش خود قرار داده، به صرف مجازات اصلاح نمی‌شود؛ زیرا از یک طرف برچسب مجرمیت وی مانع از اشتغال سالم و فعالیت اجتماعی می‌شود و از طرف دیگر، نیاز به مایحتاج زندگی، او را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد و فرد سارق ناگزیر است که به سمت سرقت و تکرار جرم روی آورد و جنایتی همچون قتل بنیتا ایجاد شود.^۲

۴-۲-۴. نظریه فشار (اهداف و وسایل)

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در جرم‌شناسی از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است نظریه فشار^۳ رابرت مرتون^۴ می‌باشد. نظریه اهداف و وسایل که در دل نظریه فشار جای دارد، بر مبنای «ناکامی»^۵ است. هنگامی که تلاش فرد برای دستیابی به هدف خاصی به هر دلیلی با شکست روبه‌رو می‌شود، نتیجهٔ امر حالت ناآرامی ذهنی است که تحت عنوان «ناکامی» یا محرومیت خوانده می‌شود. وقتی فرد برای رسیدن به اهداف عالی خود با ابزارهای مشروع تلاش می‌کند و نمی‌تواند به آن هدف نائل آید، با نوعی فشار و

سرپوش‌گذاری و مخفی نگاه داشتن این سابقه کیفری به طور مؤثری در بازسازی ذهنی و میزان رضایت‌مندی و آرامش خاطر افراد دارای سابقه کیفری نقش دارد (O'Brien, 2008, p. 43).

1. Howard Becker.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: نیازپور، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳. در این مقاله به طور اختصار موضوع محرومیت بزهکاران از حقوق اجتماعی در سه بخش محرومیت از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و با تأکید بر لایحه مجازات‌های اجتماعی، این حقوق به صورت نمودی از کارکرد توان‌فرسای کیفری‌های اجتماعی محور جایگزین زندان دانسته شده است.

3. Strain Theory.

4. Robert Merton.

5. Frustration.

آسیب روانی روبه‌رو می‌شود و در نهایت برای رسیدن به اهداف خود، از هر روشی (بعضاً نامشروع و غیر قانونی) استفاده می‌کند (مک گوایر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

در ماجرای بنیتا، متهم ردیف اول (محمد) فردی است که با جامعه بیگانه به نظر می‌رسد. تربیت نادرست وی در کودکی و همچنین روی آوردن به مصرف شیشه و نداشتن جایگاه مناسب اجتماعی (احترام) و برجسب مجرمیت خوردن وی، او را کاملاً نسبت به جامعه بی‌تعلق (ولنگاری اجتماعی) کرده است. رابرت مرتون بر این باور است که این دسته افراد در دسته‌بندی پنچ‌گانه او، در واکنش به ناکامی، انزواباوری را پیشه می‌کنند. این افراد نه هدفی را دنبال می‌کنند و نه به ابزار مشروع جامعه پایبندی نشان می‌دهند. افرادی که این‌گونه سازش‌پذیری را انتخاب می‌کنند شامل روان‌پریشان، خودگرایان، رانده شدگان، ولگردان، بی‌خانمان‌ها و معتادان به مواد مخدر می‌باشند (وُلد و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲).

روشن است که متهم ردیف اول (محمد) از فشار روانی شدیدی رنج می‌برد؛ زیرا جامعه او را در رسیدن به اهداف مشروع خویش ناکام گذاشته است. روی آوردن به اعتیاد در اول جوانی و تبدیل شدن به سارق حرفه‌ای و در آخرین سرقت خود، تبدیل شدن به قاتل بنیتا نوعی فشار ساختاری را نشان می‌دهد که در هر مرحله افزایش می‌یافته با هر بار افزایش این فشار، فرد به سمت تبدیل شدن به یک بزهکار تمام عیار حرکت می‌کرده است. در واقع می‌توان گفت که نظریه فشار تنها در پروسه تبدیل شدن فرد سالم به بزهکار اولیه نقش ندارد، بلکه می‌تواند در زمانی که فرد در مرتبه بزهکار اولیه قرار دارد، او را تبدیل به بزهکار ثانویه و حرفه‌ای کند. برای مثال می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وجود شرایط بد خانوادگی و اجتماعی قاتلان بنیتا و همچنین عدم حمایت جامعه از افراد ضعیف و در نهایت ایجاد فشار و تبدیل شدن به یک بزهکار بالقوه بعد از وقوع جرم، فشار می‌تواند زندگی بزهکار را تغییر دهد با این توضیح که اگر به فرد بزهکار فرصت دوباره‌ای برای بازاجتماعی شدن داده شود، چه بسا بزهکار دیروز برای جامعه امروز فرد مفیدی شود و اگر با محدودیت‌های عدیده‌ای روبه‌رو شود، در نتیجه فشار حاصل شده و عمیق‌تر شدن شکاف ناکامی در وی، او را به سمتی می‌کشاند که حتی گریه‌های کودکی معصوم (بنیتا) در مرتکب تأثیر ندارد و او را از یک سارق تبدیل به فردی می‌کند که اکنون طناب دار در انتظار اوست.

۳-۴. جرم‌شناسی رفتار قانون کیفری

جرم‌شناسی رفتار قانون کیفری به جرم و پدیده بزهکارانه از زاویه قانون موجود نگاه می‌کند و بر این باور است که حجم جرم و خصیصه مجرمانه بیش از هر چیز به چگونگی تدوین و اجرای قانون بستگی دارد (دادفر، ۱۳۹۷، ص ۷۰). نگارنده معتقد است که امروزه در حقوق کیفری بحث پیشگیری از جرم جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده به نحوی که این مهم به اولویت برتر جوامع در مبارزه با بزهکاری تبدیل شده است. این امر که ماحصل تلاش جرم‌شناسان حقوقدانان و سایر دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی است، همواره از این تفکر نشأت گرفته که پیشگیری بهتر از درمان است. جرم‌شناسان پیشگیری را به دو شاخه تقسیم‌بندی کرده‌اند: پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری. در پیشگیری کیفری که مرتبط با این مبحث است، با جرم‌انگاری برخی از اعمال در قانون و مقید کردن آنها به قید ضمانت اجرای کیفری و همچنین به کارگیری سازوکار مجازات، هدف اصلی که جلوگیری و کاهش ارتکاب اعمال مجرمانه است دنبال می‌شود. در حقیقت یکی از اهداف جرم‌انگاری و اعمال مجازات پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرم و همچنین ممانعت از بزهکاری سایر مجرمان بالقوه از طریق عبرت‌آموزی است. با این حال قانونگذار اسلامی ضمن انحراف از این اصول، در برخی مواد از قانون مجازات اسلامی مبادرت به تشویق شخص برای ارتکاب جرم می‌کند یا دست‌کم تلویحاً به شخص برای ارتکاب جرم چراغ سبز نشان می‌دهد.

۳-۴-۱. نظریه رفتار قانون

نظریه رفتار قانون کیفری^۱ که توسط دونالد بلک مطرح شد، بر این مبنا استوار است که تمایلی که قانون برای مجازات کردن افراد ضعیف دارد بیش از تمایل برای مجازات کردن افراد قوی است. در این نظریه، قدرت^۲ حرف اول را می‌زند، با این توضیح که هرچه قدرت سیاسی - اجتماعی یک فرد بیشتر باشد، ملائمت قانون با او بیشتر از فردی خواهد بود که در سطوح پایین‌تر قدرت سیاسی و اجتماعی قرار دارد (قاسمی روشن، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

در ماجرای بنیتا افرادی که این جرم را انجام دادند افرادی بودند که به نوعی

1. Behavior Law.

2. Power.

از جامعه طرد شده و همچنین معتاد به مصرف شیشه و دارای پرونده کیفری متعددی بودند. این افراد در صورتی که حتی جرمی انجام ندهند، در جامعه منفور و مذموم هستند چه برسد به اینکه مرتکب جرمی شوند. مقاله حاضر به هیچ عنوان قصد طرفداری و حمایت از این بزهکاران را ندارد و اعتقاد به انحراف آنها دارد، اما جایگاه یک پرسش را در این موضوع پراهمیت می‌داند و آن این است که وقتی جرم‌هایی از قشرهای بالای جامعه یا به اصطلاح یقه سفیدان^۱ همچون اختلاس روی می‌دهد، جامعه و دستگاه کیفری واکنشی مشابه با جنایت بنیتا یا اصلاً واکنشی نشان می‌دهد؟ آیا افراد جامعه تجمع و شعارهایی علیه او می‌دهند؟ آیا به سادگی با موضوع کنار می‌آیند و منتظر مجازات سبک دستگاه کیفری می‌شوند؟ این در حالی است که مقوله اختلاس اگرچه به وضوح همچون قتل بنیتا لمس نمی‌شود، اما به طور خاموش موجب فلاکت تمام جامعه و مسبب گرفتن جان و آرامش و ثبات تمام اقشار آن می‌شود. این بدیهی است که جامعه نسبت به مجازات این دسته افراد متمایل تر است و مثال آن همچون دانش‌آموز غیر منضبطی است که برای بار اول مرتکب بی‌نظمی در محل مدرسه شده و با مجازات شدید ناظم مدرسه روبه‌رو می‌شود و این در حالی است که همان بی‌نظمی اگر از ناحیه فرد درس‌خوان و منظمی روی دهد، ناظم از مجازات او چشم‌پوشی می‌کند و به اخطار جزئی بسنده می‌کند. پرونده بنیتا در واقع سرقتی بود که ناخواسته منجر به قتل بنیتا شد و این در حالی بود که این موضوع و مرتکبان آن در شبکه‌های مجازی و تلویزیونی تبدیل به یک جانی بزرگ و مرتکبان آن از ده‌های دو سر نامیده شدند و قطعاً این موارد باعث اثرگذاری مستقیم در مجازات مرتکبان از سوی دستگاه عدالت کیفری می‌شود، در حالی که جرایم دیگر که شاید به مراتب از شدت بیشتری برخوردار باشند، این‌گونه بازتاب ندارند و رسانه‌ای نمی‌شوند. با توجه به مطالبی که گفته شد، کارگزاری‌های اجرای قانون تمایل دارند که افراد دارای قدرت سیاسی و اجتماعی کمتر - و نه بیشتر - را تعقیب کنند (میرخلیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۰).

۵. جرم‌شناسی رسانه‌ای

نقش رسانه‌ها در همه جای دنیا نقش بی‌بدیل و ارزشمندی است. در یک جامعه، نقش

1. White collar.

رسانه بر روی افکار انسان‌ها آن قدر اثرگذار است که می‌توان ظلم یک قشر جامعه علیه دیگران را عدالت و عدالت قشر دیگر جامعه نسبت به قشر دیگر را ظلم جلوه داد.^۱ خبرنگاران و دبیران سرویس روزنامه‌ها و مدیران تنظیم خبر با گزینش اخبار جنایی و تعیین چگونگی بازتاب پدیده‌های جنایی در رسانه‌ها، نقش مؤثری در شکل‌گیری افکار عمومی در رابطه با جرم و عدالت ایفا می‌کنند. فقدان جنبه‌های تحلیلی و تأکید بر توصیف پدیده‌های جنایی در اخبار و رویدادهای جنایی موجب نبود بینش دقیق و درک صحیح نسبت به عوامل وقوع جرم و راه‌های کنترل آن در مخاطب شده است. همچنین گزینش اخبار جنایی بر مبنای شاخص‌های تعیین‌کننده ارزش خبری پیامدهای بی‌شماری از جمله بزرگنمایی جرم‌های خشونت‌آمیز و افزایش احساس ناامنی در اجتماع را به دنبال دارد (فرجی‌ها، ۱۳۸۵، ص ۵۷).

در ماجرای قتل بنیتا نقش رسانه بی‌تأثیر نبود. پخش کردن گزارش مردمی و اظهارنظر آنان در رابطه با نحوه مجازات متهم به قتل بنیتا و درخواست آنان از مسئولان برای اعدام، می‌تواند تأثیر بسزایی در سرنوشت پرونده مرتکبان داشته باشد. وقتی آحاد جامعه اعدام این متهمان را خواستارند - و این موضوع در حالی است که این امر باید از تمام زوایا مورد بررسی قرار بگیرد و چه بسا مجازات اعدام کیفر این بزهکاران نباشد - می‌تواند بر تصمیم‌گیری قاضی پرونده تأثیر مستقیمی بگذارد و حتی ناخواسته او را با مردم جامعه همراه کند. وارد شدن رسانه به این دسته از پرونده‌ها و درخواست اظهارنظر از افراد فاقد اطلاعات حقوقی و قضایی برای چگونگی مجازات مرتکبان، قبل از بررسی تمام جوانب جامع جرم توسط متخصصان امر، شایسته این نهاد ارزشمند نیست (بیابانی، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

۱. نقش و تأثیر رسانه‌ها آن قدر بر ذهن‌ها عمیق است که می‌تواند القا کند که «یک مار شجاع یک ماهی را از غرق شدن نجات داد».

نتیجه

- ۱- وقتی انسانی در مراحل زندگی با شکست‌های عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود و سپس به ارتکاب جرم روی می‌آورد، می‌تواند برای جامعه خطرناک باشد؛ زیرا این دسته از افراد اصطلاحاً چیزی برای از دست دادن ندارند و از جهت دیگر - همان‌طور که شرح آن در مطالب پیشین رفت - این دسته از افراد هیچ‌گونه احساس تعلقی با جامعه ندارند و فقط سودآوری خود را ملاک قرار می‌دهند.
- ۲- امروزه نقش اعتیاد در جامعه نقش بارز و پراهمیتی است، چنانکه تمام مقاله حاضر را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن هم احتیاج مرتکبان به تهیه مواد است. در حقیقت متهمان برای تهیه مواد به منطقه مشیریه آمده بودند که با دیدن ماشین رها شده، نقشه سرقت خودرو را کشیدند و در نهایت موجب قتل طفلی بی‌گناه شدند. از این رو بهتر است نسبت به افرادی که دارای سابقه کیفری عدیده و بارزی هستند و همچنین معتاد به مصرف مواد مخدر می‌باشند، پرونده شخصیتهای در دادسرا تشکیل شود تا بتوان این دسته از افراد را زیر نظر داشت؛ زیرا رها کردن این دسته از افراد بدون توجه به دستاوردهای نوین جرم‌شناسی و قبل از عملیات خنثی‌سازی و بازپروری بر روی مرتکبان، می‌تواند حوادثی این‌چنینی را ایجاد کند.
- ۳- در هر جرمی که اتفاق می‌افتد و باعث تشویش اذهان عمومی می‌شود، بهتر است رسانه‌ها محتاط‌تر وارد مسئله شوند؛ زیرا اظهارنظر کردن بی‌مورد (غیر کارشناسانه) و مصاحبه با مردم در رابطه با چگونگی مجازات، جامعه را از رسیدن به هدف عالی که همانا عدالت است، دور می‌کند.
- ۴- استفاده از سازوکارهای حمایتی نسبت به افرادی که در جامعه مستعد ارتکاب جرم هستند (افراد دارای حالت خطرناک) یا محیط جرم‌زای زندان را تجربه کرده‌اند ارزشمند به نظر می‌رسد. شاید در وهله اول فردی ناخواسته مرتکب جرمی می‌شود و با انگ مجرمانه و همچنین مجازات تبعی، از بازاجتماعی کردن خود به‌دور می‌ماند و به تدریج تبدیل به مجرم حرفه‌ای می‌شود، در حالی که با سازوکارهای حمایتی، این بزهدکار اولیه خنثی می‌شود و به عنوان یک فرد عادی، به جامعه ملحق شود. در ماجرای قتل بنیتا این نتیجه حاصل شد که افراد فقط مجازات می‌شوند و متأسفانه از بازپروری و اقدامات تأمینی و تربیتی خبری نیست. در واقع بعد از اتمام مجازات،

افراد دوباره برای ارتکاب جرم جدید و این بار با شدت بیشتری تحویل جامعه داده می‌شوند و این موضوع باعث رخ دادن حوادث به این شکل می‌شود. باید توجه داشت که در مرحله بعد از زندان، دستگاه عدالت کیفری نباید ارتباط خود را با بزهکار - تا زمانی که نشانه‌های بازپروری در وی نمایان نشده - قطع کند.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۳، انتشارات میزان، چاپ نهم، تهران، ۱۳۹۵.
۲. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۹۲.
۳. پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات رهام، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
۴. رضوانی، محمود، لاو تیکس، انتشارات نسل نیکان، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵.
۵. شیروانی، علی، ترجمه و تبیین شرح اللمعه، نشر دار العلم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴.
۶. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزایی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۴.
۷. گافمن، اروین، داغ ننگ؛ چاره‌ای برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیان‌پور، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
۸. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام، ج ۲، نشر استقلال، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۹.
۱۰. مزروعی، رسول، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، مؤسسه دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳.
۱۱. مک گوایر، جیمز، درک روانشناسی و جرم، ترجمه صغرا ابراهیمی قوام، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۲.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، مجموعه دو جلدی به کوشش شهرام ابراهیمی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۳.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۵.
۱۵. ولد، جرج و دیگران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۹۴.
۱۶. ولیدی، محمدصالح، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، چاپ

دوم، تهران، ۱۳۹۲.

۱۷. ویلیامز، فرانک پی؛ لین دی، ماری و شین، مک، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۵.

ب. مقاله‌ها

۱۸. بیابانی، غلامحسین، «نقش رسانه در پیشگیری از جرم»، فصلنامه ارتباط جمعی، شماره ۳، ۱۳۹۵.

۱۹. دادفر، محبوبه، «روانشناسی قانونی: ضرورتی در نظام عدالت کیفری ایران»، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره ۲۶، ۱۳۹۷.

۲۰. زندی، محمدرضا و عمرانی‌فر، عدنان، «ممنوعیت یا مقبولیت تخفیف مجازات در جرایم مستوجب حد»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۰، ۱۳۹۶.

۲۱. فرجی‌ها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۵.

۲۲. قاسمی روشن، ابراهیم، «عوامل اجتماعی جرم»، فصلنامه معرفت، شماره ۳۶، ۱۳۷۹.

۲۳. منصوریان، مرتضی و دیگران، «تجربه توهم در مصرف‌کنندگان مواد مخدر»، نشریه پایش، دوره ۱۳، شماره ۴، ۱۳۹۳.

۲۴. میرخلیلی سید محمود، «بزهکاری یقه سفیدها از منظر امام علی (علیه السلام)، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۵۱، ۱۳۹۵.

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سلب آزادی پیشگیری‌محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه پژوهش در حقوق کیفری، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.

۲۶. نیازپور، امیرحسن، «محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه "مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان" جلوه‌ای از کارکرد توان‌گیرانه کیفرهای اجتماع‌محور»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷.

ب. منابع انگلیسی

27. Bui, H., & Merry, M., "The Impact of Network Relationships, Prison Experiences, and Internal Transformation on Women's Success After Prison Release", *Journal of Offender Rehabilitation*, Volume 49, 2010.
28. De Greef, Introduction a La Criminologie, Lame Ed, 1974.
29. Dillon, H., Fritz, L., Blanton, L., et al, A look at methamphetamine use among three populations, (SMA 00-3423) Rockville, MD: U.S. Department of Health and Human Services, 2000.

30. Kosten, TR, Singha, AK, Stimulants. In M Galanter, HD Kleber (Eds), Textbook of substance abuse treatment (2nd ed, pp. 183-193). Washington, DC: American Psychiatric Press, 1999.
31. O'Brien, p., "Maximizing Success for Drug-Affected Women After Release from Prison", Women & Criminal Justice Publication details, 2008, including instructions for authors and subscription information: <http://www.tandfonline.com/loi/wwcj20>.
32. Prins, Herschel, Criminal Behavior: An Introduction to Criminology and the Penal System, Tavistoc Publications, 2nd Edition, 1982.
33. Von Mayrhauser, C., Brecht, M., Anglin, MD., "Use ecology and drug use motivations of methamphetamine users admitted to substance abuse treatment facilities in Los Angeles: an emerging profile", J Addict Dis, Volume 21, Issue 1, 2002, pp. 45-60.

ت. منابع اینترنتی

34. <http://www.aparat.com/v/4bYT6>
35. <http://www.fararu.com/fa/news/325645>
36. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/05/21/148941>

**Investigation of a Murder Case from the Perspective of
Criminological and Criminal Law Principles (Case Study of
Benita's Murder)**

Mohammadreza Zandi*

Adnan Omranifar**

Shadi Sharifinia***

Received: 14/12/2019

Accepted: 10/03/2020

Abstract

On 2017/ 17/ 7, a child named Benita was abducted during a robbery. Efforts to find the child continued unabated, and the eight-month-old was unable to protect himself until Cook's lifeless body was found inside a stolen car in Tehran's Pakdasht district. The perpetrators of this crime were arrested within a short period of time, and eventually this issue caused a great deal of media coverage. Some jurists considered Benita's murder to be intentional and some to call it quasi-intentional, and there were many discussions and interpretations on the subject. The present article concludes by examining the issues and its analysis (descriptive-analytical) that the lack of attention to the issue of correction and rehabilitation and the dangerous condition of prisoners and also the lack of scientific approach to criminal neutralization of prisoners after release can cause these crimes And about the type of murder; According to the statements and confessions of the defendants; Irrespective of the media coverage of the crime and its impact on the judges' decision, the opinion is that the crime was intentional (paragraph A of Article 291).

Keywords: *offender; post-prison treatment; dangerous condition; quasi-premeditated murder.*

* Assistant Professor at Law Faculty of Central Tehran Branch of Islamic Azad University.
dr.z.cyber@gmail.com

** PhD Student of Criminal Law and Criminology of Tehran University.
adnan.om.far@gmail.com

*** PhD Student of Criminal Law and Criminology at Aras Campus of Tehran University.
Shadi.sharifinia@ut.ac.ir